

نگاهی به کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک

بهنام غفاری فارسانی[□]

دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران و پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۱۲/۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۳/۱۹)

چکیده:

کار کودک از جمله مصادیق قدیمی نقض حقوق بشر است. با این همه، از میان برداشتن کامل آن در بسیاری از کشورها ممکن نیست؛ لذا در سال ۱۹۹۹ سازمان بین‌المللی کار «کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک» را تهیه کرد که در آن اعضا پذیرنده ملزم به ممنوعیت و محو تنها آن دسته از کارهای کودک شدند که ناپسند یا غیرقانونی‌اند و یا با توجه به وضعیت کودک، مضر و خطرناکند. از آن جا که ایران نیز به این کنوانسیون پیوسته، بررسی مفاد آن ضروری است.

واژگان کلیدی:

حقوق کار- حقوق بشر- حقوق کودک- بدترین اشکال کار کودک- حقوق ایران.

Email: bghaffary@ut.ac.ir

[□] فاکس: ۶۶۹۳۸۳۷۴

نگارنده مفتخر است ضمن تشکر از راهنمایی‌های ارزنده استاد علم و اخلاق جناب آقای دکتر عزت‌الله عراقی، این مقاله را به آن استاد فرهیخته تقدیم دارد.

درآمد

از دیرباز «کار کودک» بشر دوستان را خاطر آزرده است، اما همواره از ریشه‌کن کردن آن عاجز بوده‌اند. گاه حکایت رنج پیوسته این "بینوایان" کوچک، به شاه‌کارهای ادبی مبدل شده است.

واقعیات دردناک زندگی این افراد بی‌پناه موجب شد تا از دهه آخر قرن پیشین، حقوق کودک و سپس کار وی، مورد توجه جامعه بین‌المللی واقع شود. در این دهه، نگرانی‌های راجع به بهره‌کشی از کودکان به موضوعی تبدیل شده بود که حساسیت‌های عمومی را در سطح جهان برانگیخته بود و تنها به چند نهاد بین‌المللی نظیر سازمان بین‌المللی کار (ILO) و UNICEF یا معدودی سازمان غیردولتی محدود نمی‌شد (Blagbrough, 1997, P.123).

اگرچه تعیین دقیق تعداد کودکان کارگر در سطح جهان، مشکل و آمارهای ارایه شده از سوی نهادهای مربوط نیز متفاوت است، اما مطابق برخی برآوردهای رسمی ILO در سال ۲۰۰۰، نزدیک به ۲۶۴ میلیون کودک در سطح جهان، مشغول به کار بوده‌اند که از این میان بیش از ۶۷ درصد از آنان به کارهای خطرناک و بدترین انواع کار اشتغال داشته‌اند (Every Child Counts, 2002, P.20).

در خصوص میزان کودکان کار در ایران، آمار دقیقی در دست نیست. برخی آمارها برآند که در حدود ۲۶۵ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله (۱۴۹ هزار دختر و ۱۱۶ هزار پسر) در ایران وجود دارد که از لحاظ اقتصادی فعالند. این رقم تشکیل دهنده ۲/۶ درصد کل کودکان این گروه سنی است (Global March against Child Labour, 2000). این در حالی است که مطابق برخی گزارش‌های دیگر این رقم بیش از ۷۸۰ هزار نفر است (www.irsprc.org/archives/).

«کنوانسیون بدترین اشکال کودک» (The Worst Forms of Child Labour Convention) (C.182)؛^۱ برآیند نگرانی‌های موجود و اهتمام بین‌المللی در بهبود وضعیت معیشت این کودکان است. ضروری است تا پیش از بررسی کنوانسیون، ابتدا به مطالعه هر چند مختصر علل به وجود آمدن پدیده کار کودک، ضرورت مقابله با آن و تاریخچه کنوانسیون پردازیم. پس از این در بخش دوم، قلمرو اعمال کنوانسیون تبیین خواهد شد. موضوع این بخش، ارایه پاسخ به این سوال است که کنوانسیون چه موضوعات و چه اشخاصی را در برمی‌گیرد؟ علاوه بر این، به فراخور مسئله مورد بحث، سایر اسناد بین‌المللی و مقررات مرتبط داخلی ایران نیز بررسی خواهند شد.

۱. از این پس، به آن "کنوانسیون" اطلاق می‌شود. هر جا کنوانسیون دیگری مدنظر باشد، نام کامل آن خواهد آمد.

بخش اول: علل کار کودک، ضرورت مقابله با آن و تاریخچه کنوانسیون

ابتدا به علل ایجاد کار کودک و این که چرا باید به مبارزه با آن اقدام شود، می‌پردازیم و سپس در گفتار دوم اجمالاً به تاریخچه کنوانسیون اشاره خواهد شد.

گفتار اول: علل کار کودک و ضرورت مقابله با آن

تشخیص علل به وجود آمدن معضل کار کودک مشکل پیچیده و چند بعدی است که بررسی موشکافانه آن تحقیقی جداگانه را می‌طلبد. فقط به اختصار بگوییم که: "فقر" و مشکلات اقتصادی خانواده، به‌روشنی مهم‌ترین عامل واداشتن کودکان به کار محسوب می‌شود.^۱ بجز فقر، از دیگر عوامل اقتصادی کار کودک، ارزان و کم هزینه بودن آن برای کارفرماست؛ ضمن آن که کودکان با توجه به جثه کوچک و به ویژه انگشتان ظریف خود، برای انجام بعضی فعالیت‌ها و تولید برخی از محصولات (نظیر بافتن فرش و ساخت زیورآلات) مناسب‌تر از بزرگسالان به شمار می‌روند. باید از اعتیاد و بیکاری والدین، ناآگاهی و فقر فرهنگی آنان و خود کودکان کار نیز، به عنوان عوامل دیگر کار کودک نام برد. همچنین، برای برخی کودکان تحصیل امکان‌پذیر نیست و این امر، زمینه را برای به کار گرفتن آنان فراهم می‌سازد. ضمن آن که والدین کودکان کار و خود آنان اغلب از حقوقشان ناآگاهند لذا کمتر درخواست مزد بیشتر و شرایط مناسب‌تر کاری می‌کنند و ندرتاً هم دردرساز می‌شوند (علی‌الخصوص در جایی که طبیعت کار محول به آنان نیز غیرقانونی است). علاوه بر این‌ها، میزان تبعیت و انعطاف‌پذیری آنان بیش از بالغین است و از شماتت نیز بی‌مناک‌ترند؛ این امر مدیریت و استثمار آنان را ساده‌تر می‌سازد. مجموع این عوامل در کنار اسباب دیگر از جمله تبعیض جنسی، نژادی و مذهبی کودکان ترک‌شده یا بدون خانواده موجب به وجود آمدن پدیده ناخوشایند کار کودک شده است (The Impact of Discrimination on Working Children..., 2002, Le Travail des Enfants, www.droitsenfant.com/travail/, Martin & Tajgman, 2002, PP. 22 and seq.)

پیچیدگی و چند وجهی بودن علل کار کودک سبب شده است تا برطرف کردن کامل آن دشوار و حتی غیرممکن شود. برای نمونه، رفع فقر تمامی خانواده‌ها به گونه‌ای که برای برآوردن مایحتاج ضروری خود، به کار کردن کودکانشان نیازمند نشوند، دست کم برای برخی از کشورها رویایی دست نیافتنی است.

۱. به دلیل همین واقعیت، دولت به موجب ماده واحده «قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست» مصوب ۱۳۶۲، مکلف به تضمین بیمه و رفاه این اشخاص شده است. در قانونی دیگر با همین عنوان مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴، سازمان بهزیستی با همکاری سایر وزارتخانه‌ها مسئول تأمین حمایت‌های مقرر در آن قانون شامل حمایت‌های مالی، فرهنگی و اجتماعی از این قشر آسیب‌پذیر شده است. باید از کمیته امداد نیز نام برد.

اما در پاسخ به این سوال که چرا باید به مقابله با کار کودک اهتمام ورزید، به‌طور خلاصه باید گفت: کودک به عنوان یک انسان دارای حقوقی اساسی و مشترک با سایر آدمیان به نام "حقوق بشر" است؛ حتی ضرورت حمایت از کودکان نظر به ناتوانی آنان در محافظت از خود، حساسیت و لطافت روحی، ناتوانی در تمییز صحیح مصلحت خویش، آسیب پذیری و وابستگی شدید به بزرگسالان دو چندان جلوه می‌کند و این در حالی است که کار کردن کودکان در بسیاری از موارد، نقض آشکار حقوق مسلم آنان است. به‌علاوه، «کار کودک، اثرات سوء جدی و شدیدی در پی دارد که مدت‌های مدید با فرد و جامعه باقی می‌مانند. کارگران کم سن و سال نه تنها با خطر شرایط کاری روبرو هستند بلکه در معرض فشارهای جسمی، روانی و عاطفی قرار دارند. آنان [در آینده نیز] با بزرگسالی توأم با بی‌کاری و بی‌سوادی مواجهند» (کوفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل متحد، Child Labour, www.antislavery.org).

حق حیات، آزادی، برابری، عدم تبعیض، عدم بردگی، برخورداری از کرامت انسانی، تحصیل، امنیت و رفاه تنها گوشه‌ای از حقوق فطری یک کودک‌اند که با کار کردن وی، در اکثر مواقع از میان می‌روند. علاوه بر این، کار کودک موضوعی کاملاً گره خورده با آینده هر کشور است. کودکان امروز، سازندگان فردای هر جامعه‌اند. لذا برخورداری آن‌ها از دوران کودکی خوشایند، جهت آماده کردن آنان برای به دست گرفتن امور و ساختن شایسته جامعه خود در بزرگسالی، مهم و سرنوشت‌ساز می‌نماید. به‌کارگیری آنان در شرایطی نفرت‌انگیزی که به سلامت، کرامت، روان، تربیت و تحصیل آنان آسیب می‌رساند، به شدت کارآیی اقتصادی، یک‌پارچگی و توسعه پایدار جامعه را در آینده به خطر انداخته و آن را در معرض خطر انتقام این افراد قرار می‌دهد (Martin & Tajgman, 2002, PP.29 and seq). ضمن آن که گاه، کار سپرده شده به کودک مطابق مقررات کیفری جرم بوده و این امر ضرورت مبارزه با آن را نمایان‌تر می‌کند.

گفتار دوم: تاریخچه کنوانسیون

جامعه بین‌المللی و در رأس آن ILO- به عنوان متولی مسایل کار و کارگری در سطح بین‌المللی- از اوایل قرن بیستم با درک ضرورت و اهمیت مبارزه با کار کودک، نخستین گام‌های جدی را در این راه برداشت و اولین بارقه‌های امید را برای "اولیور توئیست‌ها" و "کوزت‌ها" روشن کرد. اما این گام‌های کم‌رنگ، به موازات رشد و توسعه صنعت و تجارت در نیمه اول قرن گذشته، مانع افزایش شدید و رقت‌بار استثمار کودکان نشد. به این دلیل و به سبب اهمیت یافتن حقوق بشر و رعایت حقوق کودک به موازات آن، مبارزه با کار کودک در دهه‌های اخیر با شتاب و جدیت بیشتر دنبال شد. تصویب کنوانسیون حقوق کودک از سوی

مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ نقطه عطف همین حرکت به شمار می‌رود. ماده ۳۲ این کنوانسیون صراحتاً بر ممنوعیت استثمار کودک و به‌کارگیری وی را در کارهای مضر تأکید دارد. با وجود این، ILO با توجه به رسالت خود صرف‌نظر از کنوانسیون‌های متعدد راجع به حداقل سن شروع به کار، سهمی بیشتر در مبارزه با کار کودک جستجو می‌نمود. لذا، در «اعلامیه راجع به حقوق و اصول بنیادین کار» (ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work) در سال ۱۹۹۸، بر محو موثر کار کودک تأکید ورزید. اهمیت این اعلامیه از آنجا روشن می‌شود که اعضای ILO (از جمله ایران) را به صرف عضویتشان در این سازمان به رعایت، ترویج و تحقق اصول مرتبط با چهار حق زیر مکلف می‌سازد، حتی اگر به کنوانسیون‌های مربوط به آنان نپیوسته باشند. این چهار حق عبارتند از: ۱) آزادی [تشکیل] اتحادیه و شناسایی موثر حق [انعقاد] پیمان‌های دسته‌جمعی (The Right to Collective Bargaining)؛ ۲) محو تمامی اشکال کار اجباری؛ ۳) محو تبعیض در استخدام و اشتغال؛ و ۴) "محو موثر کار کودک". ذکر محو کار کودک در میان این حقوق بنیادین، خود به‌روشنی گواه بر اهمیت آن در نزد این سازمان است. متنها کماکان نیاز به کنوانسیون‌های خاص در این خصوص احساس می‌شد. از این‌رو، کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار، اولین اجلاس خود را پس از پذیرش اعلامیه فوق به بررسی تصویب کنوانسیون‌های مجزا راجع به این مهم، اختصاص داد. سرانجام در تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹، کنوانسیون ۱۸۲ ILO موسوم به «کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک (C.182)» به تصویب رسید.^۱ هدف این کنوانسیون، ریشه‌کن کردن بدترین اشکال کار کودک (که انواع آن‌ها معین شده و در بخش دوم به آن‌ها اشاره خواهد شد)، در سراسر جهان است.

این سند بین‌المللی، اعضاء پذیرنده خود به ویژه دولت‌ها را جهت نیل به هدف فوق، ملزم به انجام اقدامات فوری می‌کند. کنوانسیون از دو جهت سنت‌شکنی کرده است: ۱) به "اجماع" از سوی نمایندگان دولت‌ها، کارفرمایان و کارگران کشورهای عضو ILO که در کنفرانس بین‌المللی کار حاضر بودند، مورد پذیرش واقع گردیده است و ۲) میزان استقبال از این کنوانسیون، در تمام حیات ILO بی‌سابقه بوده است به طوری که تنها ظرف دو سال پس از تصویب، الحاق بیش از نصف اعضاء ILO را دریافت نمود (Martin & Tajgman, 2002, P.29). صرف‌نظر از این‌ها، در وصف اهمیت آن همین بس که تنها کنوانسیون ILO است که کشورمان پس از انقلاب در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۸ بدان پیوسته است. تاکنون ۱۶۲ کشور به این کنوانسیون

۱. ILO به همین نیز بسنده نکرد و از سال ۲۰۰۲، ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) هر سال را مصادف با ایام برگزاری اجلاس عمومی سازمان در تصویب کنوانسیون فوق، به عنوان «روز جهانی مبارزه با کار کودک» نامید و نهادی را تحت عنوان International Programme on Elimination of Child Labour (IPEC) جهت کمک به کشورها در این زمینه تأسیس کرد.

ملحق و از تاریخ ۱۹ نوامبر سال ۲۰۰۰ لازم الاجراء شده است. سازمان همزمان با پذیرش کنوانسیون، توصیه‌نامه‌ای (Recommendation Supplementing the Worst Forms of Child Labour (Convention, 1999 (R.190) را نیز به آن ضمیمه کرده است.

بخش دوم: قلمرو کنوانسیون

کنوانسیون اولاً؛ نسبت به اشخاصی خاص اعمال می‌شود و ثانیاً؛ فعالی ویژه موضوع حکم آن قرار می‌گیرند. بنابراین، کنوانسیون دارای یک قلمرو شخصی و یک قلمرو موضوعی است.

گفتار اول: قلمرو شخصی کنوانسیون

اشکال ناپسند کار هر شخصی مشمول کنوانسیون و حکم ممنوعیت آن قرار نمی‌گیرد بلکه تنها "کودکان" از حمایت‌های آن برخوردارند. اما سوال این است که کودک کیست و کار چه کسی "کار کودک" تلقی می‌گردد؟ این امر با توجه به اختلاف مقررات داخلی کشورها در تعریف کودک، مسکوت نمانده و برای ایجاد رویه واحد در ماده ۲ کنوانسیون، اصطلاح "کودک" به هر فرد کمتر از ۱۸ سال اطلاق گردیده است.

در حقوق ایران به نظر می‌رسد، علی‌الاصول کودک و "طفل" به یک معنا و هر دو به معنای "صغیر" باشند. صغیر، محجوری است که به سن بلوغ نرسیده است. مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ در پسران ۱۵ و در دختران ۹ سال قمری است. البته این امر مانع از آن نگردیده است که هر جا مقنن لازم دید از نوجوانان و افراد کم سن و سال (بالای این سن) حمایت نکند. برای نمونه، در مواردی سن حمایتی تا ۱۸ سال (به طور یکسان برای دختران و پسران) افزایش یافته است.^۱ از جمله این موارد حمایتی در حقوق کار نیز دیده می‌شود. در ماده ۷۹ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت می‌خوانیم: «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است». علاوه بر این، قانون‌گذار با نامیدن کارگران ۱۵ تا ۱۸ ساله به عنوان «کارگر نوجوان» (ماده ۸۰)، ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی به آنان را ممنوع ساخت (ماده ۸۳). مطابق ماده ۸۴ نیز در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود، برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوان زیان‌آور است، حداقل سن ۱۸ سال تعیین گردید. ضمانت اجرای کیفری تخلف از این مواد در ماده ۱۷۶ قانون موصوف آورده شده است. مطابق این

۱. مثلاً در مورد دادگاه اطفال (تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری) و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ (ماده ۱).

ماده، کارفرمای متخلف به تادیه حقوق کارگر، رفع تخلف و حسب مورد پرداخت مبلغی به عنوان جریمه محکوم خواهد گردید.

در مورد ضمانت اجرای مدنی تخلف از مقرر حدافل سن فوق در حقوق داخلی نیز باید گفت: ضمانت اجرایی صریح در خود قانون کار پیش‌بینی نشده است. برخی صاحب نظران با توجه به این که احکامی نظیر حکم ماده ۷۹ در زمره قوانین آمره و مرتبط با انعقاد قرارداد هستند، در نتیجه تخلف از آنان مستلزم بطلان قرارداد کار می‌گردد و در عین حال بطلان این قراردادها موجب می‌شود تا کارگران از قواعد حمایتی قانون کار محروم شوند، راه میانه را برگزیده و حکم به بطلان قرارداد از "تاریخ کشف" آن نموده‌اند (عراقی، ۱۳۸۴، صص ۲۰۵-۲۰۴). اما منظور از تاریخ کشف دقیقاً تبیین نشده است. باید بر آن بود از تاریخی که مرجع حل اختلاف، بطلان قرارداد را احراز می‌کند و حکم قطعی به بطلان آن صادر می‌کند، قرارداد ابطال می‌گردد؛ اما اثر این ابطال، نسبت به آینده است. می‌توان حتی نظر به فلسفه حمایتی حقوق کار از کارگر، پا را فراتر نهاده و بر آن بود که تا زمانی که طرفین با رضایت کارفرما به "رابطه عملی کار" (همان منبع) ادامه می‌دهند، کارگر مشمول حمایت‌های قانون کار خواهد بود.

گفتار دوم: قلمرو موضوعی کنوانسیون

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، ممانعت از به‌کارگیری کودکان در تمامی اشکال کار بسیار دشوار است. کودکان در بسیاری از خانواده‌ها، نان‌آورانی کوچک هستند که منع آنان از انجام فعالیت‌های درآمدزا، حکم به نابودی میلیون‌ها انسان است. علاوه بر این، انجام هر نوع کاری نیز برای کودکان مضر نیست؛ کاری که بر پیشرفت و سلامت جسمی و روانی آنان اثر سوء برجای نمی‌نهد و با تحصیل و حضورشان در مدرسه نیز منافاتی ندارد، نه تنها مضر و ناپسند نیست بلکه متضمن فایده نیز خواهد بود. کارهایی نظیر کمک به والدین در کارهای روزمره و عادی منزل و یا انجام کارهای سبک برای کسب درآمد در ساعات تعطیلی مدارس، به پیشرفت کودک و رفاه خانواده وی کمک می‌کند و به آن‌ها مهارت، تجربه و حس مسئولیت پذیری در آینده را می‌آموزد. لذا "کار کودک" در معنای دقیق خود، به این دسته از فعالیت‌ها اطلاق نمی‌گردد (Martin & Tajgman, 2002, P.14). به دیگر سخن، کار کودک اگر چه در معنای اعم به هر نوع فعالیت کاری که توسط کودکان به انجام می‌رسد، اشاره دارد اما در معنای اخص خود، به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که از لحاظ روانی، جسمی، اخلاقی یا اجتماعی، نظر به وضعیت کودک برای وی مضر، خطرناک و یا با تحصیل اجباری آن‌ها در تنافی است خواه اشتغال به آنان همراه با پرداخت اجرت باشد یا خیر.

با لحاظ کردن واقعیات فوق، ILO بخش عمده تمرکز و هم خود را بر الزام کشورها به اقدام فوری و موثر جهت ممنوعیت و محو کار کودک در معنای خاص، نهاده است. چرا که در این معنا، کار کودک آن دسته از فعالیت‌های زننده و ناپسند است که انجام آن‌ها در شرایط عادی، مطلوب هیچ انسان متعارفی نیست. مبادرت به آن‌ها از سوی کودکان نیز، انزجار از آن‌ها را دو چندان می‌کند. نامیدن این فعالیت‌ها به عنوان "بدترین اشکال" کار کودک، از همین روست. کنوانسیون در ماده ۳ مصداق این مفهوم را برمی‌شمرد و در ماده ۱ خود، دولت‌های عضو را به اقدام فوری جهت ممنوعیت و محو آنان مکلف می‌گرداند. در ادامه به مطالعه این موارد می‌پردازیم. پیش از آن اشاره کنیم که کنوانسیون، خود را به ممنوعیت بدترین اشکال کار کودک محدود نساخته، بلکه با هدف محو کامل آن‌ها فعالیت‌های ناخوشایند و غیرمشروع را نیز که ممکن است از سوی دیگران صورت پذیرند و مقدمه اشکال بد کار کودک قرار گیرند، ممنوع نموده و حکم به محو کامل آنان داده است.

بند اول: بردگی و شیوه‌های مشابه بردگی (Slavery or Practices Similar to Slavery)

در تعریف بردگی باید گفت: بردگی حالتی است که در آن شخصی بر جسم، زندگی و آزادی دیگری قدرتی مطلق و خودکامه می‌یابد (Garner, 2004, P. 1422). در بردگی انسان، تملک‌شدنی است و به ملکیت هم‌نوع خود درمی‌آید به گونه‌ای که با وی همچو مالی از اموال رفتار می‌شود. برده نه موضوع حقوق بشر بلکه موضوع حقوق اموال قرار می‌گیرد (عراقی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۵).

شروع مبارزه جدی با برده‌داری در قوانین داخلی، به اوایل قرن نوزدهم در انگلستان باز می‌گردد، اما توجه جدی به مسئله بردگی و ممنوعیت آن در عرصه بین‌المللی، از اواخر این قرن آغاز شد. پس از برگزاری کنفرانس ۱۸۸۵ برلین و قانون ۱۸۹۰ بروکسل، جامعه ملل سابق، **کنوانسیون بردگی** را در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ به تصویب رساند. در ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ نیز ممنوعیت بردگی مورد تأکید قرار گرفت. سازمان ملل متحد نیز در ۷ سپتامبر ۱۹۵۶ به تصویب «**کنوانسیون تکمیلی راجع به إلغاء بردگی، تجارت برده و نهادها و شیوه‌های مشابه بردگی**» دست زد. ماده ۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ هم به نوبه خود بر منع بردگی اصرار ورزید.

با این حال، هنوز هم پس از مبارزه دیرینه با این خوی بشری در به بند کشیدن هم‌نوع خویش، برده‌داری در برخی نقاط جهان به حیات خود ادامه می‌دهد. حتی در مناطق توسعه‌یافته نیز اشکالی نوین از انقیاد دیگری پدید آمده که نه بردگی، اما کم از آن ندارد.

کودکان، نظر به سلطه‌پذیری بیشتر آنان، بیش از افراد بالغ در معرض بردگی قرار دارند. بر همین اساس، کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک، با وجود آن که در آستانه قرن بیست و یکم تدوین یافته است، با آوردن «بردگی و شیوه‌های مشابه بردگی» به عنوان اولین شکل ناپسند کار کودک در بند الف ماده ۳، از نگرانی‌های فراوان ILO در این خصوص حکایت دارد. این نگرانی‌ها بجاست چرا که برابر با آمار منتشره، ۵/۷ میلیون کودک در جهان، به بردگی یا اشکال مشابه آن اشتغال دارند (UNICEF, Fact Sheet, Child Labour, P.1).

کنوانسیون خود از بردگی تعریفی به دست نداده، با این حال برای روشن شدن قید «شیوه‌های مشابه بردگی» مصادیقی از آن را ذکر کرده است. در بند الف ماده ۳ می‌خوانیم: «کلیه اشکال بردگی یا شیوه‌های مشابه بردگی، از قبیل فروش و قاچاق کودکان، بندگی به علت بدهی و رعیتی و کار با زور یا اجباری از جمله استخدام به زور یا اجباری کودکان برای استفاده در درگیری مسلحانه».

در ادامه به توضیح هر یک از این مصادیق اشاره خواهد شد، اما پیش از آن در خصوص حقوق ایران باید گفت، برابر با ماده ۹۵۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳، هیچ کس نمی‌تواند حق تمتع یا اجرای تمام یا بخشی از حقوق مدنی را از خود سلب نماید. همچنین بموجب ماده ۹۶۰ همان قانون، هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حریت نماید. در نتیجه به برده دیگری درآمدن مطابق این قانون ممنوع و باطل اعلام گردیده است. به‌علاوه، ایران در سال ۱۳۳۷ به کنوانسیون تکمیلی ۱۹۵۶ و در سال ۱۳۴۷ به میثاق حقوق مدنی و سیاسی ملحق شده، اما به کنوانسیون بردگی نپیوسته است. با این حال، همگام با تحولات بین‌المللی، ماده واحده «قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران و آزادی برده در موقع ورود به مملکت» مصوب ۱۳۰۷ مقرر می‌دارد: «در مملکت ایران، هیچ‌کس به عنوان برده شناخته نشده و هر برده به مجرد ورود به خاک یا آب‌های ساحلی ایران آزاد خواهد بود. هر کس انسانی را به نام برده خرید و فروش کرده یا رفتار مالکانه دیگری نسبت به انسانی بنماید یا واسطه معامله و حمل و نقل برده بشود محکوم به یک تا سه سال حبس تأدیبی خواهد گردید». شیوه‌های مشابه بردگی مندرج در کنوانسیون مورد بحث، از قرار زیرند:

۱) فروش کودک (Sale of Child)

ماده ۳۵ کنوانسیون حقوق کودک، فروش کودک را ممنوع و دولت‌های عضو را مکلف به اتخاذ تصمیمات فوری در جلوگیری از آن ساخته است. فروش کودک آن گونه که در بند ۱ ماده ۲ «پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک راجع به فروش کودکان، روسپی‌گری و هرزه‌نگاری کودک» مصوب ۲۰۰۰ سازمان ملل آمده، عبارت است از: «هر نوع عمل یا

معامله‌ای که به موجب آن کودکی توسط فرد یا گروهی از افراد در قبال اجرت یا هر نوع عوض دیگر به دیگری انتقال یابد».

پیدااست که فروش کودک، کار کودک به شمار نمی‌رود؛ بلکه عملی است که از سوی فرد دیگر و بر روی کودک انجام می‌پذیرد. این عمل ناپسند از آنجا که اولاً؛ خود نقض حقوق بشر است، چون وجود انسان موضوع حقوق اموال نیست در نتیجه مورد داد و ستد قرار نمی‌گیرد و ثانیاً؛ فروش کودک، پیش درآمد بردگی یا سایر اشکال بد کار او را فراهم می‌آورد، مشمول حکم ممنوعیت و محو کنوانسیون واقع گردیده است.

ایران اگر چه به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ پیوسته، اما هنوز به پروتکل فوق ملحق نگردیده است. با وجود این، خرید و فروش کودک در قوانین داخلی جرم انگاشته شده است. برابر ماده ۳ قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان»: «هرگونه خرید، فروش... کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد». بدین ترتیب، اگر فروش کودک به قصد ارتکاب اعمال خلاف (؟) نباشد، جرم نیست! به عبارت روشن‌تر، فروش یک کودک فی‌نفسه جرم تلقی نشده است و از این حیث قانون فوق قابل انتقاد به نظر می‌رسد. البته باید خاطر نشان ساخت، در مواردی که فروش کودک تحت شمول ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی و عنوان آدم‌ربایی و یا سایر عناوین مجرمانه قرار گیرد، طبعاً مجازات‌های مربوط را در پی خواهد داشت.

۲) قاچاق کودک (Trafficking of Children)

قاچاق کودک نیز کار کودک در معنای اصطلاحی نیست؛ اما به همان دلایل مذکور در فوق، کنوانسیون آن را با مسامحه در زمره بدترین اشکال کار کودک آورده است. ماده ۳۵ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌های عضو را به جلوگیری از قاچاق کودک ملزم ساخته است. در عرصه بین‌المللی، قاچاق انسان به‌طور کلی اولین بار (Combating Child Trafficking, 2005, P.11) در «پروتکل راجع به ممانعت، توقیف و مجازات قاچاق اشخاص، بویژه زنان و کودکان، تکمیلی کنوانسیون سازمان ملل متحد بر علیه جرایم سازمان یافته فراملی» مصوب ۲۰۰۰ (معروف به پروتکل پالرمو یا پروتکل قاچاق) تعریف گردید. بند ۱ ماده ۳ این پروتکل مقرر می‌دارد: «قاچاق انسان به معنای به‌کارگیری، حمل و نقل، انتقال (خارج کردن)، پنهان نمودن یا تحویل گرفتن اشخاص، به منظور بهره‌کشی و استثمار، بوسیله تهدید یا استفاده از زور یا سایر وسایل اجبار، ربودن، تقلب، فریب‌کاری، سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت آسیب‌پذیری یا با استفاده از دادن یا گرفتن وجهی یا منفعتی جهت تحصیل رضایت شخصی

که بر دیگری کنترل دارد، است. بهره‌کشی و استثمار دست کم، شامل بهره‌کشی از فحشا یا سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری، بردگی یا شیوه‌های مشابه بردگی، بندگی یا برداشت اعضاء و جوارح است». بند ۲ این ماده، رضایت قربانی را اگر قاچاق از طریق موارد مذکور در بند ۱ صورت گرفته باشد، مانع از تحقق آن ندانسته است. اما بند ۳ ماده فوق، به‌کارگیری، حمل و نقل، پنهان نمودن یا تحویل گرفتن کودکی را به منظور بهره‌کشی، "قاچاق انسان" تلقی کرده است، حتی اگر از رهگذر شیوه‌های مقرر در بند ۱ ارتکاب نیافته باشد. به عقیده برخی این تعریف، عام‌ترین تعریف پذیرفته شده در مورد قاچاق انسان است (Ibid).

ایران به پروتکل فوق نپیوسته اما احتمالاً با الهام از آن، به تصویب «قانون مبارزه با قاچاق انسان» در سال ۱۳۸۳ دست زده است. بموجب ماده ۱ این قانون: «قاچاق انسان عبارتست از:

الف) خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج؛ ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود». ماده ۳ این قانون برای مرتکبین قاچاق انسان یا اعمال مورد حکم آن، حبس دو تا ده سال حبس و میزانی جزای نقدی در نظر گرفته است. تبصره ۱ همین ماده نیز مقرر می‌دارد: «چنان‌چه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود». پس قاچاق کودکان در مواردی حتی می‌تواند مصداقی از محاربه و افساد فی الارض به حساب آید.

کمیسیون حقوق کودک سازمان ملل، نگرانی‌های خود را از گزارش‌های قاچاق و فروش کودکان زیر ۱۸ سال در ایران، به‌خصوص دختران روستایی که گاه به منظور ازدواج موقت یک ساعته تا ۹۹ ساله قاچاق و فروخته می‌شوند، ابراز داشته است. این کمیسیون همچنین از قاچاق کودکان زیر ۱۸ سال از افغانستان به ایران که ظاهراً برای استثمار و کار ارزان فروخته و قاچاق می‌شوند، خبر داده است (United Nations, Committee on the Rights of Child, Consideration of Reports ..., 2005, P.15, n.70).

۳) بندگی به علت بدهی (Debt Bondage)

این واژه به حالتی اطلاق می‌شود که شخص در قبال وامی که از دیگری دریافت می‌دارد، متعهد به کار کردن برای وی و تحت کنترل او تا تصفیه کامل بدهی خود می‌گردد. قسمت الف ماده ۱ کنوانسیون «تکمیلی راجع به إلغاء بردگی، تجارت برده و نهادها و شیوه‌های مشابه

بردگی»، در تعریف این نهاد که مقنن ایرانی آن را «اجبار به خدمت در مقابل دین» ترجمه نموده، آورده است: «حال یا وضعیتی که از تعهد مدیون نسبت به خدمات شخصی خود یا شخص دیگری که در فرمان او است، برای تضمین قرض ناشی می‌شود و در صورتی که ارزش آن خدمات به نحوی که صحیحاً تقویم شود به مصرف استهلاک قرض نرسد یا طول مدت و نحوه آن خدمات محدود و مشخص نباشد».

از آنجا که مقرض معمولاً به وام دریافتی نیاز مبرم و حیاتی دارد، مقرض در وضعیتی برتر قرار می‌گیرد که قادر است اراده خود را بر وام‌گیر تحمیل کند. لذا شیوه بازپرداخت وام را به‌گونه‌ای طراحی می‌کند که عملاً تصفیه دین و بهره‌های سنگین آن برای مقرض محال شود و بدین ترتیب، وی برای همیشه تحت استیلاي مقرض باقی می‌ماند. اگر در نظر آوریم که کودکان نیز اغلب به همراه والدین تنگدست خود به امید رهایی و تصفیه دین یا حداقل جلوگیری از تعلق بهره بیشتر به کار گرفته می‌شوند و گاه نیز به جای‌گزینی والدین مدیون متوفی یا از کار افتاده خویش وادار می‌گردند، به روشنی درخواهیم یافت که کودکان نیز قربانیان بالقوه و بالفعل این بندگی قرار می‌گیرند. در هند، پاکستان، نپال و برخی کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی نمونه‌های از این وضعیت دیده می‌شود. تنها در هند تخمین زده می‌شود که در حدود ۲۰ میلیون کارگر رهنی وجود داشته باشد که از این میان، نزدیک به ۳۵ درصد از آنان کودکان زیر ۱۴ سال هستند. این در حالی است که اصل ۲۳ قانون اساسی هند، بندگی به علت بدهی را ممنوع اعلام می‌کند.

۴) رعیتی (Serfdom)

رعیتی یا غلامی وضع کسی است که ملزم به کار کردن روی زمینی معین به دستور و تحت استیلاي مالک زمین است (Garner, 2004, P. 1397). قسمت (ب) ماده اول کنوانسیون فوق تعریف مشابه‌ای ارائه می‌کند: «بندگی رعایا: یعنی وضع یا حال رعیت که به موجب قانون یا عرف یا قرارداد مکلف باشد در زمین متعلق به فرد دیگری زندگی و کار کند و برای فرد اخیر خدمات معینی را با دریافت اجرت یا رایگان انجام دهد و در هر حال حق تغییر وضع و حال خود را نداشته باشد».

بدین ترتیب، تفاوت رعیتی با بردگی در آن است که رعیت با زمینی که در آن مکلف به کار کردن است، پیوندی ناگسستنی دارد به‌گونه‌ای که با فروش زمین، رعیت نیز منضم به آن به خریدار منتقل می‌شود.

(5) کار اجباری (Forced or Compulsory Labour)

بند (الف) ماده ۳ کنوانسیون، کار با زور (قهری) یا اجباری را از دیگر مصادیق شیوه‌های مشابه بردگی دانسته است. مطابق آمار اخیر یونسف، ۵/۷ میلیون کودک در جهان به کار اجباری گرفتارند که این رقم تشکیل دهنده حدود نصف کل افرادی است که به چنین مشقتی مبتلا هستند (Unicef, Child Labour, May 2006, P.1).

کار با زور یا اجباری آن گونه که در ماده ۲ «کنوانسیون لغو کار اجباری ۱۹۳۰» ILO تعریف شده، عبارت است از: «هر نوع کار یا خدمتی که به زور از شخصی با تهدید او به عقوبت و کیفر مطالبه شود و برای انجام آن، خود این شخص به اختیار داوطلب نشده باشد». این کنوانسیون در ادامه ماده فوق، مواردی را از تحت شمول این تعریف مستثنی می‌سازد اما از لحاظ تعریف مزبور، فرقی میان کودک و بزرگسال نیست. ILO کنوانسیون دیگری را نیز جهت تکمیل کنوانسیون مزبور و الزام دولت‌ها در تلاش بیشتر برای محو این شیوه مشابه بردگی در سال ۱۹۵۷ تحت عنوان «کنوانسیون لغو کار اجباری» به تصویب رساند. در کنار این‌ها، ماده ۳ «پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک راجع به فروش کودکان، روسپی‌گری و هرزه‌نگاری کودک» هم دولت‌های پذیرنده را به جرم‌انگاری به‌کارگیری کودکان در کارهای اجباری مکلف نموده است.

در حقوق ایران، اصل بیست و هشتم و بند ۴ اصل چهل و سوم قانون اساسی، آزادی انتخاب شغل را به رسمیت می‌شناسند. اصل اخیر به صراحت اجبار افراد را به انجام کار معین ممنوع می‌سازد. ماده ۶ قانون کار نیز در ممنوعیت کار اجباری بیان می‌دارد: «...اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگری ممنوع... و هر کس حق دارد شغلی که به آن مایل است... برگزیند». متخلفین از حکم این ماده، مشمول مجازات‌های مقرر در ماده ۱۷۲ همان قانون خواهند بود. قابل ذکر است که ایران در سال ۱۳۳۵ به کنوانسیون کار اجباری ۱۹۳۰ و در ۷ دی ۱۳۳۷ به کنوانسیون لغو کار اجباری ۱۹۵۷ پیوسته است. با این‌همه، مواردی از استثمار و کار اجباری کودکان در کارگاه‌های خصوصی فرش بافی در ایران گزارش شده است (United Nations, Committee on the Rights of Child, Consideration of Reports ..., 2005, P. 14, n. 68) کار اجباری کودکان می‌تواند مصادیق متعدد داشته باشد. بند الف ماده ۳ کنوانسیون مورد بحث، استخدام به زور یا اجباری کودکان برای استفاده در درگیری مسلحانه را مصادیقی بارز از کار اجباری ذکر می‌کند. از کودکان برای این کار در برخی کشورها به ویژه کشورهای آفریقایی نظیر آنگولا، کنگو، اوگاندا و سودان به طور وسیع استفاده می‌شود (www.hrw.org/children/labor.htm). مطابق آمارهای ILO در سال ۲۰۰۲ سیصد هزار کودک در درگیری‌های مسلحانه شرکت داده شده‌اند (Every Child Counts, 2002, P.6). برابر بند ۲ ماده ۳۸ کنوانسیون

حقوق کودک، دولت‌های عضو باید هرگونه اقدام عملی را جهت تضمین این که افراد کمتر از ۱۵ سال در مخاصمات مستقیماً شرکت نکنند، معمول دارند. بند ۳ همین ماده دولت‌ها را مکلف به عدم استخدام افراد زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح می‌کند و در استخدام افراد ۱۵ سال تا ۱۸ سال اولویت را به بزرگترها می‌دهد. مفاد این دو بند پیش از این، به ترتیب در مواد ۷۷ و ۴ دو «*پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹^۱ راجع به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی*» مصوب ۱۹۷۷ آمده بود. قطع‌نامه شماره ۱۲۶۱ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ نیز شدیداً استخدام و استفاده از کودکان را در درگیری‌های مسلحانه محکوم می‌نماید. «*پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک راجع به دخالت کودکان در مخاصمات مسلحانه*» مصوب ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دولت‌های پذیرنده را به افزایش سن فوق تا ۱۸ سال ملزم می‌سازد (برای مطالعه بیشتر؛ رک: ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۴، صص ۱۲۳ به بعد).

ایران تاکنون به پروتکل اخیر نپیوسته است. در مورد وضعیت مقررات داخلی در این خصوص نیز باید گفت: سن انجام خدمت وظیفه اجباری برای هر پسر ایرانی، برابر ماده ۲ «*قانون خدمت وظیفه عمومی*» مصوب ۱۳۶۳ اول فروردین سالی است که در آن سال وارد سن ۱۹ سالگی می‌شود. همچنین از لحاظ مقررات استخدامی کشور در نیروهای مسلح، قابل ذکر است که ماده ۲۹ «*قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران*» مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ و ماده ۱۶ «*قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی*» مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱، حداقل سن برای استخدام در این دو نهاد نظامی را ۱۶ سال تعیین نموده‌اند. این سن در ماده ۱۶ «*قانون استخدام نیروی انتظامی*» مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰، ۱۷ سال در نظر گرفته شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این مقررات اگرچه رعایت اولویت در استخدام افراد بزرگسال در نیروهای مسلح را ننموده‌اند، اما تعارض جدی با کنوانسیون حقوق کودک ندارند. با وجود این، با پروتکل کنوانسیون حقوق کودک و تحولات بین‌المللی هماهنگ نیستند. البته باید توجه داشت، آنچه که به موجب کنوانسیون در زمره بدترین اشکال کار کودک و حکم ممنوعیت آن قرار گرفته، به‌کارگیری اجباری کودکان در درگیری‌های مسلحانه است و نه صرف استخدام آنان در نیروهای نظامی.

۱. این کنوانسیون‌های چهارگانه حمایت‌هایی را از مجروحین، بیماران، زندانیان جنگی و غیرنظامیان در زمان جنگ به عمل می‌آورند. ایران به کنوانسیون‌های ژنو پیوسته اما هنوز دو پروتکل آن را تصویب ننموده است. برای مطالعه بیشتر؛ رک: ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۴، صص ۳۳ به بعد.

بند دوم: روسپی‌گری، زشت‌نگاری یا اجزای زشت‌نگارانه (Prostitution, Pornography and Pornographic Performances)

بند (ب) ماده ۳ کنوانسیون، «استفاده، فراهم کردن یا عرضه کودک برای روسپی‌گری، تولید زشت‌نگاری یا اجزای زشت‌نگارانه» را از جمله بدترین اشکال کار کودک محسوب کرده و لذا به استناد ماده ۱ هر عضو باید اقدامات فوری و مؤثری را برای تأمین ممنوعیت و محو آن به عنوان موضوعی فوری اتخاذ نماید.

در خصوص سود جستن یا مداخله در روسپی‌گری دیگری، اعم از کودک یا بزرگسال، در عرصه بین‌المللی «کنوانسیون الغاء قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از فحشای دیگری» در سال ۱۹۴۹ به تصویب سازمان ملل رسیده است که در آن دول عضو در مجازات افرادی که جهت برآورده ساختن شهوت کسی: (۱) با هدف ترویج فحشا، فرد دیگری را اگر چه با رضایت وی، فراهم می‌آورند یا تحریک می‌کنند یا به این امر سوق می‌دهند؛ (۲) از روسپی‌گری دیگری حتی با رضایت وی بهره می‌جویند؛ و کسانی که: (۳) فاحشه خانه‌ای را نگهداری یا اداره یا عالمماً تأمین مالی می‌نمایند، یا عالمماً در تأمین مالی آن سهم می‌گردند؛ یا (۴) عالمماً ساختمانی یا مکانی یا قسمتی از آن را برای اهداف روسپی‌گری در اختیار می‌گذارند یا اجاره می‌کنند، توافق نموده‌اند. مطابق برخی تخمین‌ها، حدود ۱/۸ میلیون کودک در سطح جهان به روسپی‌گری و هرزه‌نگاری وادار شده‌اند (Unicef, Factsheet, P. 1) که از این میان، بیش از یک میلیون نفر از آنان را دختران تشکیل می‌دهند.

بجز کنوانسیون مورد بحث، کشورهای طرف کنوانسیون حقوق کودک به موجب ماده ۳۴ آن نیز متعهد به حمایت از کودکان در برابر تمام اشکال سوءاستفاده‌ها و استثمارهای جنسی شده‌اند. برابر بند (ب) ماده ۲ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک راجع به فروش، روسپی‌گری و زشت‌نگاری کودکان: «روسپی‌گری کودک به معنای استفاده از یک کودک در فعالیت‌های جنسی در قبال پرداخت اجرت یا هر نوع عوض دیگر است». این عوض می‌تواند به خود کودک یا به هر شخص دیگری که به طور قانونی یا غیرقانونی بر او سلطه دارد، پرداخت شود.^۱ به موجب بند (ج) همان پروتکل، «زشت‌نگاری کودک عبارت است از هر نوع نمایش با هر وسیله کودکی که در فعالیت‌های واقعی یا به ظاهر آشکار جنسی به کار گرفته شده

۱. به این عمل «بردگی سفید» (White Slavery) نیز اطلاق می‌شود. از لحاظ تاریخی، بردگی سفید به معنای ربودن و فروش دختران و زنان فقرازی جهت روسپی‌گری برخلاف میل آنان بود. اما امروزه، عبارت است از: استفاده از زور یا نیرنگ یا سایر وسایل جهت اجبار افراد به فعالیت‌های تجاری جنسی (Estes, 2001, P. 11). در مورد، الغاء بردگی سفید، دو موافقت‌نامه بین‌المللی در تاریخ‌های ۱۸ می ۱۹۰۴ و ۴ می ۱۹۱۰ به همراه پروتکل اصلاحی آنها در تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسیده است. کشورمان در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۱۰ به این دو موافقت‌نامه پیوسته است.

است یا هر نوع نمایش بخش‌های جنسی یک کودک به منظور اهداف عمدتاً جنسی». بدین ترتیب، زشت‌نگاری شامل هر نوع فیلم، عکس، مجله، نوشته یا دیگر وسایلی است که به منظور تحریک امیال جنسی در بیننده تهیه می‌شوند (Estes, 2001, P.7). بند ۱ ماده ۳ این سند بین‌المللی، دولت‌های پذیرنده را به جرم تلقی کردن «پیشنهاد، تحصیل، تدارک یا مهیاسازی یک کودک برای روسپی‌گری» و «تولید، پخش، توزیع، واردات، صادرات، پیشنهاد، فروش یا تملک زشت‌نگاری کودک» در مقررات جزایی خود، مکلف نموده است.

در خصوص وضع حقوق ایران، در این خصوص باید گفت: همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، کشورمان تاکنون به پروتکل فوق نپیوسته است. با وجود این، نظر به این که مطابق اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان، لذا هر عملی که موجب تنزل کرامت انسانی گردد، قبیح و محکوم است. بر همین مبنا، در مقررات جزایی اعمال منافی عفت و ضد اخلاق عمومی جرم اعلام شده‌اند (برای نمونه در مواد ۱۳۸-۶۳، ۶۳۹، ۶۴۰، تبصره ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی). بجز این موارد، به استناد مواد ۲، ۳ و ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان [یعنی کلیه افراد زیر ۱۸ سال] که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است» و بر این اساس، «هر گونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد» و «هر گونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». به نظر می‌رسد این مواد در حمایت از کودکان در برابر وادار نمودن آنان به روسپی‌گری و اجراهای زشت‌نگارانه و تولید زشت‌نگاری از آنان کافی باشند.

بند سوم: فعالیت‌های غیرقانونی به ویژه برای تولید یا قاچاق مواد مخدر

طبق بند (پ) ماده ۳ کنوانسیون: «استفاده، فراهم کردن یا عرضه کودک برای فعالیت‌های غیرقانونی، به ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر به گونه‌ای که در معاهدات بین‌المللی مربوط تعریف شده‌اند»، جز بدترین اشکال کار کودک بوده و مشمول حکم ممنوعیت و محو کنوانسیون قرار دارند.

به نظر می‌رسد منظور از «فعالیت‌های غیرقانونی»، کلیه اعمالی باشد که به موجب قوانین جزایی داخلی هر کشور به عنوان «جرم» تلقی شده‌اند. در قسمت (پ) بند ۱۲ توصیه‌نامه به مصدق‌های از فعالیت‌های غیر قانونی یعنی «فعالیت‌هایی که با حمل یا استفاده غیر قانونی از سلاح‌های گرم یا سایر سلاح‌ها ملازمه دارند»، اشاره شده است. هر گاه کودکی برای انجام این‌گونه اعمال، از سوی شخصی یا گروهی آماده یا به‌کار گرفته شود، عمل وی در زمره بدترین اشکال کار کودک قرار گرفته و دولت‌های طرف کنوانسیون مکلف به ممنوع ساختن و جلوگیری از افراد مزبور در سوءاستفاده از ضعف کودکان جهت نیل به اهداف غیر قانونی خود و حمایت از کودکان هستند.

اما در خصوص استفاده، فراهم کردن یا عرضه کودکان برای تولید و قاچاق مواد مخدر باید گفت: برآوردها نشان می‌دهد که ۶۰۰ هزار کودک به این نوع نامناسب کار اشتغال دارند (Every Child Counts, 2002, P.6). کنوانسیون، تعریف این مصداق فعالیت‌های غیرقانونی را به معاهدات بین‌المللی مربوط واگذار کرده است. کنوانسیون حقوق کودک نیز با واگذاری تعریف مواد مخدر به معاهدات بین‌المللی مربوطه، کشورهای عضو را به جلوگیری از استفاده کودکان در تولید غیرقانونی و قاچاق این مواد ملزم نموده است (ماده ۳۳).

«معاهده واحد راجع به مواد مخدر» مصوب ۱۹۶۱ سازمان ملل متحد که دارای یک پروتکل اصلاحی در سال ۱۹۷۲ است، مواد مخدر را تعریف و محدوده آن را تعیین نموده است. در این معاهده، فهرست جامعی از انواع مواد مخدر شناسایی و تهیه و در ماده ۱ آن، قاچاق مواد مخدر چنین تعریف شده است: «اصطلاح "قاچاق" یعنی کشت یا هر داد و ستد مواد مخدر که برخلاف هدف‌های این قرارداد انجام گیرد». بر این اساس، قاچاق در مورد مواد مخدر معنای وسیع و عام‌الشمولی دارد که تمامی مراحل کشت و داد و ستد آن را در بر می‌گیرد. «کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان» مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد نیز بر همین تعریف گسترده از قاچاق مواد مخدر تأکید دارد.

ایران به هر دو سند بین‌المللی فوق، به ترتیب در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۰ پیوسته است. اما در خصوص حمایت از کودکان در برابر استفاده، فراهم کردن یا عرضه آنان برای فعالیت‌های غیرقانونی باید اذعان داشت که اگرچه مستند به ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، اطفال مبری از مسئولیت کیفری هستند، منتها این حمایت تنها در مورد کسانی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده‌اند، و نه کلیه افراد زیر ۱۸ سال. لذا، علی‌القاعده دختران بالای ۹ سال و پسران بالای ۱۵ سال قمری از نظر مقررات کیفری، مسئولیتی همانند بزرگسالان دارند یعنی در صورتی که به تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع دیگری مرتکب جرمی شوند، به مجازات مباشر محکوم خواهند شد البته این امر مانع از آن نشده است که مقنن در مواردی، کسانی را که کودکی را

وسیله ارتکاب جرمی قرار می‌دهند، به عنوان مباشر جرمی خاص شناسایی نکنند. ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی در بیان یکی از این مصادیق مقرر می‌دارد: «هر کس طفل صغیر یا "غیررشدی" را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از این طریق به دست آورده است، محکوم خواهد شد».

بند چهارم: کارهای خطرناک (Hazardous Works)

ماده ۳ کنوانسیون، در بیان آخرین نوع از بدترین اشکال کار کودک چنین بیان می‌کند: «کاری که به دلیل ماهیت آن یا شرایطی که در آن انجام می‌شود، احتمال دارد برای سلامتی، ایمنی یا اخلاقیات کودکان ضرر داشته باشد». بخش دوم توصیه‌نامه کنوانسیون، این گروه از بدترین اشکال کار کودک را به اختصار «کارهای خطرناک» نامیده است. تفاوتی نمی‌کند که کار مورد نظر از لحاظ جسمی برای کودک خطرناک یا مضر باشد یا از نظر روانی چنین باشد.^۱ مطابق برآوردهای صورت گرفته ۱۷۱ میلیون کودک در سطح جهان به کارهای خطرناک اشتغال دارند (Crowley & Johnson, 2004, P. 5; UNICEF, Fact Sheet: Child Labour and ILO, Facts on Child Labour, 2004, P. 1)

بند ۱ ماده ۴ نحوه تعیین دقیق مصادیق افعال فوق را این گونه مشخص می‌سازد: «انواع کارهای موضوع بند (ت) ماده (۳) در قوانین یا مقررات ملی یا توسط مقام صلاحیت‌دار، پس از مشاوره با سازمان‌های کارفرمایی و کارگری مربوط، با در نظر گرفتن معیارهای بین‌المللی مربوط، به ویژه بندهای ۳ و ۴ توصیه‌نامه بدترین اشکال کار کودک ۱۹۹۹ میلادی تعیین خواهند شد». بندهای ۳ و ۴ توصیه‌نامه مذکور اگر چه طولانی‌اند، اما ذکر آنان برای روشن شدن هرچه بهتر مطلب مفید است. در بند ۳ آمده است: «در تعیین انواع کارها موضوع بند (ت) ماده ۳ کنوانسیون و در تشخیص جاهایی که این کارها وجود دارند، از جمله باید به موارد زیر توجه شود: (الف) کاری که کودکان را در معرض سوءاستفاده جسمانی، روانی یا جنسی قرار می‌دهد؛ (ب) کار در زیرزمین، زیر آب، در ارتفاعات خطرناک یا در فضاهای بسته؛ (پ) کار با ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزارهای خطرناک، یا کاری که متضمن جابه‌جایی یا حمل بارهای سنگین با دست است؛ (ت) کار در محیط ناسالم که ممکن است، به طور مثال کودکان را در معرض مواد، عوامل یا فرآیندهای خطرناک یا در معرض دما، صدا، یا ارتعاش-های مضر برای سلامتی آنها قرار دهد؛ (ث) کار تحت شرایط بسیار مشکل از قبیل کار برای ساعات طولانی یا در خلال شب یا کار در جایی که کودک به نحو غیرمتعارف به کارگاه

۱. برای آگاهی از اثرات کار کودک بر سلامتی وی و آمارهای موجود در این خصوص؛ ر.ک: O'Donnell, Rosati & Doorslaer, 2002.

کارفرما محدود می‌شود» و در بند ۴ می‌خوانیم: «در زمینه انواع کارهای موضوع بند (ت) ماده ۳ کنوانسیون و بند ۳ بالا، مقررات یا قوانین ملی یا مقام صلاحیت‌دار می‌تواند، پس از مشاوره با سازمان‌های کارفرمایی و کارگری مربوط، اشتغال یا کار از سن ۱۶ سالگی را مشروط به این که سلامتی، ایمنی و اخلاقیات کودکان مربوط به‌طور کامل مورد حفاظت قرار گیرد و این که کودکان آموزش ویژه کافی یا آموزش حرفه‌ای در رشته مرتبط فعالیت را کسب کرده باشند، اجازه دهد».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود توصیه‌نامه در بند فوق، اشتغال به کارهای خطرناک را مشروط به بهبود شرایط کاری برای کودکان ۱۶ سال به بالا مجاز می‌دارد. بر همین اساس، برخی نویسندگان بدترین اشکال کار کودک مندرج در کنوانسیون را به دو دسته «کارهای خطرناک» و «بدترین اشکال بدون قید و شرط» تقسیم نموده‌اند. انواع کارهای مشمول بندهای (الف) تا (پ) ماده ۳ کنوانسیون در دسته اخیر جای می‌گیرند؛ چرا که بهبود شرایط کاری در مورد آن‌ها مصداق ندارد و قابل توجیه نیست (Noguchi, 2002, P. 358).

ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک نیز حق هر کودک را مبنی بر تحت حمایت قرار گرفتن در برابر وادار شدن به انجام هر گونه کاری که زیان‌آور بوده یا برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و پیشرفت اجتماعی وی مضر باشد، به رسمیت شناخته است و دولت‌های عضو را به اتخاذ اقدامات لازم جهت تضمین اجرای حق مزبور ملزم نموده است.

در حقوق ایران همان‌طور که قبلاً اشاره گردید، به موجب مواد ۸۳ و ۸۴ قانون کار، ارجاع هر نوع کار سخت و زیان‌آور و خطرناک یا کارهایی که به علت ماهیت آن‌ها یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود، برای سلامتی یا اخلاق زیان‌آور است، به کارگران زیر ۱۸ سال ممنوع گردیده است. برای تخلف از حکم این دو ماده، صراحتاً در ماده ۱۷۶ همان قانون مجازات تعیین شده است. باید خاطر نشان ساخت، مجازات مقرر در این ماده به هیچ وجه کافی در تأمین اجرای این مواد نیست؛ با این‌همه، در تبصره ۲ ماده واحده تصویب کنوانسیون، اشخاصی که کودکان را به کارهای موضوع بند (ت) ماده ۳ کنوانسیون می‌گمارند، مشمول مجازات‌های ماده ۱۷۲ قانون کار دانسته شده‌اند، در حالی که این ماده برای کسانی که حکم ماده ۶ آن قانون یعنی ممنوعیت کار اجباری را زیر پا می‌نهند، مجازات تعیین کرده است. به نظر می‌رسد، مقنن مجازات مقرر در ماده ۱۷۶ را کافی برای مبارزه با ارجاع کارهای خطرناک به کودکان ندانسته، لذا آن را تحت شمول ماده ۱۷۲ که حاوی مجازاتی مناسب‌تر است، قرار داده. بدین ترتیب، اگرچه ماده ۱۷۶ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده، اما توسط مجلس نسخ ضمنی جزئی گردیده است.

به تبعیت از بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون، مطابق تبصره ۱ ماده واحده «قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن»، وزارت کار و امور اجتماعی با هماهنگی وزارت‌خانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و صنایع و معادن و جهاد کشاورزی و کانون و انجمن‌های صنفی کارفرمایان و کانون شوراهای اسلامی کار، مکلف به تهیه و ارایه فهرست انواع کارهای مضر موضوع بند (ت) ماده (۳) کنوانسیون جهت تصویب هیأت وزیران گردیدند. این آیین‌نامه در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ به تصویب هیأت وزیران رسید. در این آیین‌نامه طی ۳۶ بند، انواعی از کارهای خطرناک معین و در ماده ۲ آن تاکید گردیده، اشخاصی که کودکان را در این نوع کارها به کار گیرند، مشمول مجازات‌های مقرر در ماده ۱۷۲ قانون کار خواهند بود.

علاوه بر این، در تبصره ۲ ماده واحده مذکور، به عنوان مجازات تکمیلی مقرر شده است که پروانه کار اشخاص فوق توسط دستگاه ذی‌ربط به‌طور موقت لغو خواهد شد. در ماده ۲ آیین‌نامه، مدت لغو پروانه برای بار اول سه ماه، بار دوم شش ماه و در صورت تکرار یک سال تعیین گردیده است.

بجز مراتب فوق، مطابق با ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان: «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمده سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». در نتیجه، ارجاع کارهای خطرناک به کودکان (افراد زیر ۱۸ سال) موجب مسئولیت کیفری و مدنی کارفرما خواهد گردید.

از آنجا که ضمانت اجرای مدنی به کار گماشتن کودکان در تمامی بدترین اشکال کار کودک، حکم تقریباً مشابه دارد در این مجال یک‌جا به آن می‌پردازیم. همان‌طور که گفته شد، کنوانسیون فاقد هر گونه ضمانت اجرای مدنی و کیفری است. هر چند از هدف آن و تعهدی که بر دوش دولت‌های عضو مبنی بر محو بدترین اشکال کار کودک نهاده است، می‌توان، نظر آن را بر بطلان قراردادهایی که انجام یکی از کارهای فوق را به عنوان موضوع یا هدف خود دارند، استنباط نمود. در حقوق داخلی باید گفت: یکی از آثار تقسیم انواع کارهای فوق به «بدترین اشکال بدون قید و شرط» و «کارهای خطرناک» در این جا می‌تواند، نمایان شود. توضیح آن‌که در بطلان قراردادهایی که یکی از کارهای بندهای ۱ تا ۳ را به عنوان موضوع یا هدف خود دارند، به علت نامشروع بودن یکی از این دو یا هر دو، نباید تردید کرد (مواد ۱۹۰ قانون مدنی و ۹ قانون کار). در مواردی نیز نظیر کارهای اجباری، قصد و رضای کارگر یا نماینده قانونی وی مفقود است. اما همان‌گونه که در گفتار اول آمد، این بطلان از تاریخ صدور حکم قطعی مرجع صالح، موثر خواهد بود و تا آن زمان با تمسک به رابطه عملی کار، کارگر

مشمول حمایت‌های قانونی خواهد بود. منتها باید توجه داشت که در برخی فروض، حمایت از کارگر بر خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی خواهد بود و باید به ناچار به بطلان قرارداد از ابتدا قایل بود؛ نظیر موردی که پسر یا دختری ۱۷ ساله که بلوغ و رشد خود را پشت سر نهاده است، انجام یکی از اعمال مشمول عنوان روسپی‌گری یا زشت‌نگارانه را در قبال دریافت اجرت، از سر شوق می‌پذیرد.

اما درباره کارهای خطرناک می‌توان بر آن بود که اگر رعایت مقرر حد اقل سن شده باشد و بهبود شرایط کار نیز ممکن و معقول باشد، حکم به صحت قرارداد و اجبار کارفرما به رعایت مواد ۸۳ و ۸۴ قانون کار، موجه می‌نماید؛ در غیر این صورت باید قرارداد را ابطال نمود. در خصوص خسارات مادی و معنوی کودک که به انواع کارهای فوق، گماشته می‌شود نیز باید خاطر نشان ساخت که شخص یا اشخاص متخلف، به جبران این خسارات محکوم خواهند شد (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی).

نتیجه

بی‌گمان، کار کردن کودکان به جای اشتغال آنان به تحصیل، مطلوب هیچ جامعه‌ای نیست. همچنین، شکی نیست که فقر مهم‌ترین عامل به کار واداشتن کودکان محسوب می‌شود. لذا یقیناً موثرترین راه جلوگیری از این پدیده، ریشه‌کن کردن فقر است. تا آن زمان، کار کردن کودکان در برخی خانواده‌ها اجتناب‌ناپذیر است. با این همه، به کارگیری آنان در بدترین اشکال کار نیز نقض آشکار حقوق فطری آنان است و قابل اغماض نمی‌باشد لذا مبارزه با آن ضرورتی انکارناپذیر دارد. «کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک» به منظور نیل به این هدف تهیه شده و کشورمان در سال ۱۳۸۰ به آن پیوسته است.

در این کنوانسیون، به کارگیری افراد زیر ۱۸ سال در چهار گروه از کارها به عنوان بدترین اشکال کار ممنوع اعلام گردیده و دولت‌های پذیرنده مکلف به محو کامل آنها شده‌اند. این چهار دسته عبارتند از: (۱) بردگی و شیوه‌های مشابه بردگی نظیر رعیتی، قاچاق و فروش کودک، بندگی به علت دین و کار اجباری؛ (۲) روسپی‌گری، زشت‌نگاری و اجراهای زشت‌نگارانه؛ (۳) کارهای غیرقانونی مانند تولید و قاچاق مواد مخدر و (۴) کارهای خطرناک. سه گروه اول را "بدترین اشکال بدون قید و شرط کار کودک" نامیده‌اند.

باید خاطر نشان کرد که اگر چه تهیه و تصویب کنوانسیون فوق مطلوب و گامی ارزشمند است، اما محو کامل اشتغال کودکان در بدترین اشکال کار، جز با همت و همکاری همه جانبه دولت‌ها، کارفرمایان، سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌های کارگری میسر نخواهد شد.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. عراقی، سید عزت‌الله، (۱۳۸۴)، *حقوق کار*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت؛
۲. عراقی، سید عزت‌الله و رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۵)، *تحول حقوق بین‌المللی کار*، تهران: انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی؛
۳. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۴)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخصصات مسلحانه داخلی*، تهران: نشر میزان؛

ب- خارجی

- 1- Blagbruogh, Jonathan, "Eliminating the Worst Forms of Child Labour: A New International Standard", *The International Journal of Children's Rights*, Vol. 5, (1997), PP. 123-127.
- 2- Boockmann, Bernhard, "The Effect of ILO Minimum Age Conventions on Child Labour and School Attendance", *ZEW*, Available at: <ftp://ftp.zew.de/pub/zew-docs/dp/dp0452.pdf>.
- 3- Child Labour; Available at: www.antislavensky.org/.
- 4- Crowley, Lois & Johnson, Marlene, (2004), "Hazardous Child Labor", Iowa: The University of Iowa Center for Human Rights; Available at: www.uicr.org/.
- 5- Dennis, Michael, "The ILO Convention on the Worst Forms of Child Labor", *American Journal of International Law*, Vol. 93, No. 4, (Oct., 1999), PP. 943-948.
- 6- Estes, Richard, "The Sexual Exploitation of Children", Philadelphia, University of Pennsylvania, (August, 2001); Available at: http://caster.ssw.upenn.edu/~restes/csec_files/csec_Bib_Agust_2001.pdf
- 7- Garner, Bryan, (2004), *Black's Law Dictionary*, 18th Edition, Thomson.
- 8- "The Global March against Child Labour", (2000), IRAN; Available at: www.globalmarch.org/resourcecentre/world/iran.pdf
- 9- "The Impact of Discrimination on Working Children", (2002), Available at: www.crin.org/
- 10- International Labour Organization, (2002), "Every Child Counts: New Global Estimates on Child Labour", Geneva: International Labour Office; Available at: www.ilo.org/public/english/standards/ipec/simpoc/others/globalest.pdf
- 11- International Labour Organization, (2005), "Facts on Child Labour", Geneva: International Labour Office; Available at: www.ilo.org/commuication/
- 12- Inter-Parliamentary Union and UNICEF, (2005), "Combating Child Trafficking", Handbook for Parliamentarians, France; Available at: www.ipu.org/.
- 13- International Training Center of the ILO, (2006), "International Labour Standards Reporting: Child Labour Conventions (C183 & C182)", Turin; Available at: http://training.itcilo.it/ils/ils_childlabour/training_activities/2006/A900786.pdf
- 14- Martin, Jack & David Tajgman, (2002), "Eliminating the Worst Forms of Child Labour", Handbook for Parliamentarians, Geneva: International Labour Organization and Inter-Parliamentary Union.
- 15- Noguchi, Yoshie, "ILO Convention No. 182 on the Worst Forms of Child Labour and the Convention on the Rights of the Child", *The International Journal of Children's Rights*, Vol. 10, (2002), PP. 355-369.
- 16- O'Donnell, Owen, Rosati, Furio, Doorslaer, Eddy Vann, (2002), "Child Labour and Health: Evidence and Research Issues", An Inter-Agency Research Cooperation Project (ILO- UNICEF & World Bank); Available at: http://www.ucw-project.org/pdf/publications/childlabour_health.pdf
- 17- "Le Travail des Enfants", www.droitsenfant.com/travail.htm
- 18- "Travail des Enfants", Available at: www.fr.wikipédia.org/
- 19- UNICEF, (2006), "Child Protection Information Sheet: Child Labour", Available at: www.uicef.org/.
- 20- UNICEF, Factsheet, Child Labour, Available at: www.uicef.org/.

-
- 21- United Nations, Committee on the Rights of Child, (2005), "Consideration of Reports Submitted by States Parties"; Available at:
http://www.unicef.org/iran/IRN_overview_CRC_obs_eng.pdf
- 22- www.hrw.org/children/labor.htm
- 23- www.irsprc.org/archives.htm